

چالش‌های معاونت در جرم افساد فی الارض

دکتر عباسعلی اکبری

عضو هیئت علمی گروه حقوق دانشگاه آزاد واحد تبریز

حامد علیزاده

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد واحد تبریز

چکیده

از جمله موضوع‌های چالشی در حقوق کیفری ایران جرم افساد فی الارض بوده که در سال ۹۲ بعنوان جرم مستقل با ادبیات و عناوین مبهم که باب تفاسیر متعدد و اعمال سلیقه توسط محاکم وارد گفتمان عدالت کیفری ایران گردیده است همچنین نگاهی به منابع فقهی نیز نشانگر اختلاف آراء به لحاظ استنباط متعدد از آیات و روایات می باشد و در این بین از جمله انتقاد های اساسی عدم تناسب مجازات مفسد فی الارض و معاونت در جرم مربوط بوده که حاکی از همتراز دانستن مجازات های مذکور توسط مقنن می باشد که همواره محل تامل و بررسی می باشد اگرچه با استناد به برخی مواد قانونی می توان ادعا داشت که دیگر برای جرم معاونت در جرایم سیاست تسامحی در نظر گرفته شده ولی وجود قانون مذکور حاکی از عدم توجه قانونگذار به شرایط جامعه بوده و لרزه به اندام شهروندان انداخته و خطر های بالقوه گسترده ای را علیه جامعه اسلامی بلحاظ پیش بینی مجازات اعدام برای جرم معاونت در افساد فی الارض که با سیاست کیفری که خفیف بودن مجازات مباشر نسبت به معاون جرم است سازگار نمی باشد.

واژگان کلیدی: مفسد فی الارض، معاونت در جرم افساد فی الارض، اعدام

مقدمه

با وضع قوانین در هر کشوری حقوق و آزادی های جامعه و افراد تا حدودی تضمین می گردد در میان مجازات اسلامی حدود ویژگی خاصی دارد سخت گیری در مرحله اثبات و شدت در مرحله اجرای مجازات از جمله خصوصیات مجازات حدی محسوب می شود در این بین برخی از قوانین من جمله افساد فی الارض و معاونت در آن در قانون مجازات اسلامی کشورمان در بخش حدود آورده شده که ظاهراً مبنای مستحکم فقهی نیز ندارد اگر چه افساد در لغت به معنی فاسد کردن و فتنه آمده و قید فی الارض کنایه از گستردگی عمل مرتکب عنوان شده ولی عرف درک روشنی از این مفهوم ندارد و بصورت اجمال بیان شده است و معاونت در جرم نیز از اصطلاحات علم حقوق بوده که حضور تاثیر گذار عوامل دیگری به غیر از مرتکب اصلی در ارتکاب جرم می باشد.

حال آنکه افساد فی الارض در قسمت حدود قانون مجازات آمده و اجرای حدود در زمان غیبت امام معصوم همواره محل نزاع و کشمکش بین فقها بوده است و آنچه که متبادر به ذهن از سایر قوانین می باشد اینکه مجازات معاونت خفیف تر از مجازات مباشر اصلی جرم باید باشد و با ذکر عناوین مبهم جای اعمال سلیقه را پررنگ تر می نماید که مغایر با حقوق و آزادی های فردی بوده و قانون گذار مشخص ننموده با چه مبنایی فقهی دست به تاسیس عنوان مجرمانه و مستقل افساد فی الارض و همتراز دانستن جرم مباشر و معاون جرم زده است و در زمره شدید ترین جرایم با مجازات غیر تناسب قرار داده است. نگاهی به آمار اعدام در ایران و مقایسه آن با میزان اعدام در سایر کشورها و ایجاد فشار بین المللی در نظام سیاسی و حقوقی کشورها خود می تواند انگیزه ای باشد بر اینکه میتوان از رویکرد اقلیتی فقها عدول کرد و کشور را با چالش جدی که همان به خطر افتادن جان انسان ها بدون تعیین نمودن حدود و ثغور در قانون است دوری و از عناوین دیگر مجرمانه بهره برد.

ضرورت این تحقیق از آن رو نمایان می شود که قانونگذار در قوانین کیفری برای اولین بار به ورود این عنوان بصورت مستقل با حوزه معنایی پیچیده و مبهم در قانون مجازات همت گمارده است قانونگذار در موارد خاصی به این عنوان اشاره کرده و مصداقی خاص را مورد حکم قرار داده بود اما در قانون فعلی با بیان کلی از سوی قانونگذار مواجه ایم و قانونگذار تطبیق این مفهوم کلی بر مصادیق متعدد رابر عهده قضات و دستگاه قضایی قرار داده و با تصویب ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی حاکم بر بسیاری از مواد کیفری خواهد بود. النهایه برای تبیین همه جانبه ابتدا باید مبانی جرم انگاری افساد فی الارض بررسی و پس از آن آثار پذیرش ماده مذکور در نظام حقوقی ایران مورد واکاوی قرار گیرد و با ارائه یک نصوص انعطاف پذیر در مورد مجازات معاونت در جرم مذکور که با شرایط زمان سازگارتر و علاوه بر حمایت از نظم و مصالح عمومی جامعه تهدید کننده آزادی های فردی نباشد بحث می گردد و راه حلی برای یافتن عناوین مجرمانه نزدیک تر به جرم معاونت در افساد فی الارض بعنوان مسکنی ناکافی اما قابل قبول عرضه داشت. در پایان اشاره می گردد که روش تحقیق در مقاله یاد شده بصورت کتابخانه ای با مراجعه به کتب و مقالات متعدد بوده و همچنین بدلیل اینکه در این مورد خاص تحقیقی بصورت جامع انجام نیافته بود لذا از این جهت همت گردید که با توجه به آثاری که احتمالاً خواهد در رویه قضایی کشورمان مورد تاثیر گذاری قرار گیرد.

سوال اصلی: جرم معاونت در افساد فی الارض با چه چالش هایی مواجه است؟

سوال های فرعی:

- مبنای جرم انگاری شدید جرم معاونت در افساد فی الارض چیست؟
- علت عدم تناسب مجازات معاونت در افساد فی الارض به چه دلیل می باشد؟

فرضیه اصلی:

سنگینی مجازات در افساد فی الارض و سرایت آن به جرم معاونت و نبود یک ضابطه مشخص با ظرفیت ایجاد سلب حیات بیشتر در جامعه از چالش های اساسی در این ارتباط می باشد.

فرضیه های فرعی:

- در نگاه اول بنظر می رسد بدلیل ریشه فقهی افساد فی الارض قانونگذار در جرم انگاری جرم معاونت نیز از این امر تبعیت نموده ولی احتمال دارد عمل مرتکب دلیل اصلی آن باشد.
- ممکن است قانونگذار بدلیل امنیت گرایی در جامعه از سیاست کیفری تسامحی عدول نموده است.

معانی افساد فی الارض

افساد در لغت به معنای تباه کردن و از بین بردن آمده است. این معنا را میتوان در کتب لغت دید، به گونه ای که همگی ای آنها همین معنا را افساد آورده اند . اما گاه افساد را مقابل اصلاح می دانند. و بعضی هم «خروج الشيء عن الاعتدال» (خارج شدن از حد اعتدال) را فساد می دانند (راغب اصفهانی، 1412ق، ص 436) که در این صورت، کسی که بخواهد امری را از حد اعتدال خارج کند مفسد است. مثلاً بر هم زنده نظم و اعتدال جامعه را می توان مفسد دانست، چنانکه در فقه راهزنان مفسد فی الارض دانسته شده اند.

هرگاه شخص نظامی با بکاربردن سلاح موجب سلب امنیت عمومی و ایجاد رعب و وحشت گردد عمل او را باید مصداق محاربه دانست در صورتیکه عمل مرتکب به قصد افساد و اخلال در نظام باشد به گونه ای که عمل او مصداق افساد فی الارض باشد عنوان عمل افساد فی الارض است (گلدوزیان، 1387، ص 6)

بحث افساد فی الارض در کتب فقهی، اعم از کتب اهل سنت و شیعه، ذیل مبحث محاربه مطرح شده است و اکثر قریب به اتفاق فقهای اسلامی افساد فی الارض را معادل محاربه می دانند اما بعضی از فقهای اسلامی، اعم از شیعه و سنی، افساد فی الارض را جرمی جداگانه از محاربه دانسته اند و بعضی از مصادیق آن را نام برده اند، ولی متأسفانه هیچ مالک و قاعده ای به دست نداده اند که چرا و بر اساس کدام قاعده اینها مفسد فی الارض هستند در مورد کتب فقهی شیعی به طور کلی می توان گفت که تمامی آنها افساد فی الارض را به معنای محاربه گرفته اند و فقط برخی از فقهای شیعه مانند شیخ مفید و ابن ادریس حلی، اشخاصی مانند زورگیر و رباینده انسان و کفن دزد، در صورتی که این کار را تکرار کند، مفسد فی الارض شناخته شده اند کته ای که در این نکته ای که در اینجا اهمیت بسیار دارد این است که این گونه فتواها از جانب فقهای اسلامی بر چه اساسی صادر شده است. اگر این بزرگان افساد فی الارض را فقط منحصر در محاربه و قطع الطریق میدانند، پس نباید افساد فی الارض مصداقی غیر از محارب و قاطع الطریق داشته باشد. اما اگر افساد فی الارض عنوانی جدا از محاربه است، پس نباید محدود به زورگیری، نبش قبر و آدم دزدی شود، بلکه هر جرم که بتواند افساد فی الارض تلقی شود و قاعده افساد بر آن صدق کند، باید افساد فی الارض دانسته شود (علامه طباطبایی، 1374، ج 5، ص 496) و مجازات های مذکور در فقه برای آنها در نظر گرفته شود، در حالی که عملاً اینگونه نیست.

نسبت میان افساد فی الارض با محاربه

در مورد نسبت بین عناوین محارب و افساد فی الارض اختلاف است. گروهی نسبت این دو را عموم و خصوص مطلق میدانند، یعنی هر محاربه مفسد فی الارض نیز هست. گروهی بر این نظرند که هر دو یک فعل هستند (محاربه با خدا و سعی در ایجاد فساد در زمین) همانگونه که گفتیم فساد ضد صلاح است و به «بیرون رفتن چیزی از اعتدال» نیز تفسیر شده است. از این رو، فساد هر چیزی بر حسب خود آن چیز معنا میشود. بدون شک، هر جرم و معصیتی که از انسان سر میزند، فساد است در یکی از جنبه های زندگی او، اما عنوان «فساد و افساد» چون اضافه شود به «الارض» (زمین) معنای آن قید می شود و اختصاص پیدا میکند. به فساد می گویند که در زمین واقع می شود.

نکته دیگر، این است که در اصطلاح فقهی و حقوقی برای افساد فی الارض تعریف مستقل و جداگانه‌ای وجود ندارد بلکه فقها جرایم معینی را تحت عنوان فساد و افساد فی الارض معرفی کرده اند؛ بنابراین گروهی از فقها بر این نظرند که افساد فی الارض، عنوان مجرمانه مستقلی نیست که در مقابل محاربه قرار گیرد، بلکه یک عنوان عامی است که هر جرمی از آن جهت که ضد صلاح می باشد تحت عنوان آن قرار میگیرد. (رضایی سیابیدی، ۱۳۹۶، ص ۸۳)

مفسد فی الارض خود موضوع حکم نیست، بلکه به اصطلاح علمای معقول، واسطه و علت در ثبوت مجازات است پس اینکه گفته می شود «مفسد بما هو مفسد» خود موضوع مجازات است وجهه شرعی و قانونی ندارد بلکه میتوان گفت نامعقول هم می باشد؛ زیرا اگر مقصود از مفسد بما هو مفسد به حمل اولی باشد قطعاً غلط است، مفهوم بما هو نمی تواند موضوع مجازات قرار گیرد.

پس نسبت بین افساد در روی زمین و بین محاربه نسبت عموم و خصوص مطلق است که بر هر چه محاربه صدق می کند، افساد بر روی زمین هم صدق میکند؛ ولی چنانکه ملاحظه گردید، در مواردی افساد در روی زمین «و یَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا» صدق میکند، ولی محاربه انطباق ندارد و در یک جمله می توان گفت که افساد در روی زمین اموری از قبیل تقنین قوانین فاسده، تأسیس قمارخانه ها و عشرتکده ها، سوزاندن خرمن ها و نظایر این عمل زنا و لواط و مساحقه و مانند این ها و احیاناً عمل زنا و لواط و مساحقه و مانند اینها را که حدود معین دارد، شامل می گردد؛ اما چون برای آنها عقوبت تعیین شده، مشمول کیفرهای چندگانه در آیه نمی شود، مگر در صورت صدق «و یَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا» به آنها که در این صورت کیفر مفسد فی الارض بر آنها جاری می گردد.

و اینکه افساد فی الارض جرمی است که مجازات آن اعدام است و دلیل آن، آیه 32 سوره مائده است که میفرماید «مِنْ أَجْلِ ذَٰلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَٰئِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» و به همین دلیل بر بنی اسرائیل چنین حکم کردیم که هر کس دیگری را بکشد بدون آنکه مرتکب قتل شده باشد (نعناکار، ۱۳۷۷، ص ۱۵۹)

از این آیه چنین استفاده می شود که هر کس، شخصی را که مرتکب افساد در زمین شده است بکشد گناهی بر او نیست. پس هر کس افساد در زمین کند، مستحق کشته شدن است بنابراین منظور از فساد هر گونه افساد فی الارض نیست، بلکه همان محاربه مورد نظر است و مجازات چنین فساد مجازات محاربه است. اما در عمل دیده می شود که در قوانین موجود افساد فی الارض به عنوان یک جرم مستقل از محاربه مورد شناسایی قرار گرفته است.

مانند مصادیقی که قبلاً ذکر شد. مقدس اردبیلی می گوید: «از مفهوم آیه 32 سوره مائده «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ» استنباط می شود که افساد فی الارض موجب قتل است، (مقدس اردبیلی بی تا، ص 664)

ابهام در مجازات مفسد فی الارض

بر اساس تحلیل هایی که تاکنون انجام پذیرفت، رویکرد قانون گذار در تفکیک جرم افساد فی الارض از محاربه چندان موجه به نظر نمی رسد. علاوه بر این اشکال دیگر در ابهامات موجود در مجازاتی است که برای افساد فی الارض در نظر گرفته شده است. قانون گذار در ماده 286 قانون مجازات اسلامی چنین مقرر کرده است: «هرکس به گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می گردد»

اشکال اساسی این است که مجازات مقرر در آیه شریفه مختص به محارب است و در این صورت مجازات اصلی مفسد فی الارض چیست و از کدام آیه و روایت این مجازات به دست می آید؟ چون در جرائم حدی و نه تعزیری، علاوه بر اینکه جرم بلید دقیقا تعریف شده باشد، مجازات آن نیز باید مشخص باشد.

البته ممکن است کسانی که افساد فی الارض را جرم مستقل می دانند، برای مجازات مفسد فی الارض به آیه 32 سوره مائده استناد کنند که این نیز چندان موجه نیست چون معنا ندارد که در دو آیه متوالی، برای یک جرم به نام فساد، دو مجازات متفاوت مقرر شده است یعنی در آیه 32 اعدام و در آیه بعدی مجازات های چهارگانه

جالب اینکه آیت الله مومن در استدلال خود چنین آورده اند که «پس ذکر عنوان محاربه در ابتدا و سپس عطف (سعی در فساد در زمین) بر آن در مقام بیان علت تعدد مجازات، دلالت دارد بر آنکه (سعی در افساد زمین) علت اساسی و تمام سبب برای ترتیب چند نوع مجازات مذکور است. بنابراین هرگاه این عنوان محقق شد اگر چه بدون عنوان محاربه باشد برای ترتیب مجازات های مذکور، کافی است» (مومن، 1382، ص 6).

حال پرسش این است که با وجود آنکه در استدلال مربوط به این نظریه صریحا از «ترتیب مجازات های مذکور» یعنی مجازات های چهارگانه مصرح در آیه 33 سخن گفته اند، چرا ماده 286 قانون مجازات سال 92 فقط یک مجازات و آن هم مجازات سخت اعدام را برای مفسد فی الارض مقرر کرده است؟ بنابراین مشخص نیست که مجازات انحصاری اعدام (به جای ترتیب مجازات های چهارگانه) مفسد فی الارض بر اساس کدام ادله و دیدگاه در قانون مجازات اسلامی سال 92 بنیان نهاده شده است. هرچند عنوان افساد مبنای مستحکم فقهی ندارد به شدت از سوی قانونگذار مورد توجه قرار گرفته و در قوانین مختلف مورد اشاره واقع شده است. با توجه به آمارهای موجود در خصوص میزان مجازات اعدام - که کشورمان در میان تمامی کشورهای جهان بیشترین آمار اعدام را با توجه به جمعیت داراست و از نظر میزان اعدام به صورت کلی دارای رتبه دوم یا سوم جهان است - مشاهده می شود که بخش شایان توجهی از این آمار به استناد جرم افساد تحقق پیدا کرده است. بی شک چنین میزان بالای آمار را نمیتوان مقتضای تعبد به نصوص و اجرای شریعت دانست و چنین تقنینی را بر شارع مقدس بار کرد. در زیر قوانینی که مجازات اعدام را به استناد افساد مورد پذیرش قرار داده اند اشاره داشته اند.

معاونت در جرم افساد

یکی از ایراد های اساسی به ماده 286 این است که با اضافه نمودن قید «با معاونت در آنها» برخلاف اصول فقهی و حقوقی، معاونت در جرم افساد فی الارض را نیز مصداق افساد فی الارض و مستوجب مجازات اعدام دانسته است. این روش علاوه بر اینکه با موازین فقهی سازگاری ندارد، بر مبنای حقوق ایران نیز قابل دفاع نیست، زیرا از دیدگاه فقهی معاونت در جرم حدی نمی تواند مانند مباشرت در این دسته از جرائم، مستوجب مجازات حدی باشد و حتی در محاربه نیز، فقهاء فقط قائل به تعزیرند و تعمیم مجازات مباشر جرائم حدی به معاون، از پشتوانه فقهی برخوردار نیست. (هاشمی، ۱۳۹۲، ص ۱۶)

از جهت حقوقی نیز در حقوق ایران، اصولاً معاونت در جرائم حدی، مجازات مباشر همان جرم را ندارد بلکه درجه ای خفیف تر برای معاونت در جرم حدی منظور شده است. البته در جرائم تعزیری جز در موارد استثنایی، فائده همین است که مجازات معاون، در حد مجازات مباشر همان جرم نیست. اگر چه در حقوق غرب گرایش جدید به این است که بتوان معاون در جرایمی که نقش برجسته تری داشته باشد، تا حد مباشر جرم هم مجازات نمود (یزدانی، ۱۴۰۰، ص ۸). اما این مسئله در حقوق ایران، اگر در تعزیرات مشکلی نداشته باشد، در جرائم حدی قطعاً مبنای دفاعی از جهت فقهی ندارد. اگر چه در حقوق ایران حتی در تعزیرات نیز مبنای قانونگذار، بر تساوی مجازات معاون با مباشر نیست.

قید «گسترده» «اختلال شدید» و «وسیع»

قیودی در ماده 286 آمده است که هیچ معیاری برای تشخیص مصداق آن وجود ندارد و به حسب زمان و مکان و حتی سلیقه ها و روحیات شخصی قضات، ممکن است متفاوت باشد و قیودی مانند «به طور گسترده» و «اختلال شدید» و «در حد وسیع». هیچ معیاری ندارد. البته قانون گذار برای رفع اشکال و یا دست کم تخفیف تبعات منفی این قیود بی حد و حصر که با اصل شفافیت قوانین کیفری به شدت در تعارض است، در این تبصره ماده یاد شده آورده است: «هر گاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اختلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد نا امنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد و فحشاء در حد وسیع و یا علم به موثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می شود».

یکی از عبارت مبهم، قید «به طور گسترده» است. این عبارت مقول به تشکیک است و احراز موضوع را برای قاضی دچار قبض و بسط می کند و در گزاره های کیفری باید موضوع مرزبندی دقیق داشته باشد؛ گرچه قاضی پرونده با این قلمرو کم و بیش وسیع و شناور سردرگم می شود. باز هم همین گونه میتوان عنوان نشر اکاذیب را تحلیل کرد. اختلال در نظام اقتصادی کشور نیز همین گونه است. خلاصه بیشتر عناوین مندرج ذیل این گزاره قانونی را می توان کشدار تلقی کرد. از سوی دیگر، افراد و دسته جات در خلاء مجرم خطرناک، حرفه ای، سازمان یافته نمی شوند.

اساس این تبصره، بار اثبات قیود بر عهده قاضی است و باید توسط قاضی احراز شود. به عبارتی اصل بر عدم وجود قصد یا علم متهم به این قیود است. از این رو دادگاه باید خلاف آن را اثبات کند. با توجه به اینکه بار اثبات به عهده دادگاه است بنابراین در حکم دادگاه احراز قیودی همچون گسترده، شدید و وسیع باید به طور مستدل تبیین شود. این تبصره اگر چه فی نفسه به نفع متهم خواهد بود. اما سخن در این است که قاضی در تبیین این قیود، چه معیار و ملاکی برای احراز آن دارد؟ بر فرض استدلال برای احراز این قیود توسط دادگاه بدوی، دادگاه تجدید نظر چه معیاری برای نقض یا ادامه آن دارند.

اصل کیفی بودن قوانین کیفری

اصل کیفی بودن قوانین کیفری که اصل تکامل یافته اصل قانونی بودن جرائم و مجازات هاست، به این معناست که صرف جرم انگاری و تصریح به یک جرم در قانون کفایت نمی کند بلکه باید از سه ویژگی برخوردار باشد:

1- شفاف و صریح باشد 2: قابل دسترسی باشد، 3: نتایج و آثار آن قابل پیش بینی باشد.

به اعتقاد برخی حقوقدانان غربی، یکی از معانی اصل قانونی بودن، عبارت است از اینکه، مجازاتی که برای نقض قانون کیفری، بر افراد تحمیل می شود باید به صورت واضح و به دور از ابهام، قبلاً قاعده مند و مضبوط شده باشد و همین امر در حقوق انگلستان از دلایل انتقاد بسیار نسبت به «ابهام» جرائمی از قبیل توطئه و تبانی برای ایجاد شرارت و آزار عمومی یا تبانی علیه اخلاق حسنه، محسوب می شود.

در کامن لا اصل «لزوم اجتناب از ابهام» در توصیف و تبیین جرائم، یکی از آثار اصل قانونی بودن به شمار می رود. به عبارت دیگر، اصل قانونی بودن در حقوق انگلستان از جهت دلالت ضمنی به اندازه ای وسعت دارد که خود قابل انقسام به سه اصل فرعی است: اصل «عدم عطف به ما سبق قوانین»، اصل «تفسیر مضیق» و اصل «حداکثر دقت در تعریف جرائم» (محمد زاده، ۱۳۹۹، ص ۱۴)

البته اصل حداکثر دقت در تعریف جرائم، با اصل عدم عطف به ماسبق قوانین کیفری ارتباط تنگاتنگی دارد زیرا یک قانون مبهم ممکن است در عمل موجب عطف به ماسبق شدن قانون گردد. از این جهت که به دلیل ابهام قانون هیچ کس اطمینان نخواهد داشت که آیا عملی را که انجام میدهد داخل در محدوده قانون خواهد بود یا خارج از آن ولی با این وجود هیچ گونه ضمانت اجرایی در حقوق انگلستان برای ابهام در تعریف قانون، پیش بینی نشده است. اما این بدان معنی نیست که اصل مذکور در انگلستان فاقد جنبه حقوق اساسی باشد.

اما همچنین برخی از فعالین سیاست دفاع اجتماعی با اصولی همچون «اصل حداکثر دقت در تعریف جرائم»، مخالفت می نماید و معتقد است که ابهام در قانون از نظر اجتماعی مفید است. زیرا این امر پلیس و دادگاه را قادر می سازد تا در مقابل انواع ناهنجاری های جدید عکس العمل نشان دهند، بدون آنکه منتظر پاسخ قانون گذار باشند.

در حقوق اسلام نیز اصل شفافیت قوانین کیفری مورد تاکید قرار گرفته است به همین جهت، از دیدگاه اصولیین، حتی در اجماع نص نیز اصل برائت جاری می شود، زیرا اجمال نص مانند فقدان نص است. یعنی اگر قانون شرع مجمل و غیرشفاف بود، گویا اساساً قانون وجود نداشته است و این همان مفاد اصل کیفی بودن یا اصل شفافیت قوانین کیفری است که در حقوق موضوعه مورد تاکید قرار گرفته است.

حال با توجه به این سه ویژگی می توان گفت که ماده 286 قانون مجازات اسلامی سال 92 که بر اصل مهجور فقهی مبتنی است، تمامی ویژگی یاد شده را ندارد. زیرا اولاً با توجه به مطالب پیش گفته، این ماده از شفافیت لازم برخوردار نیست، چون با بکار پیری الفاظ مبهمی چون گسترده و شدید و وسیع، تشخیص مصداق را برای متهم و قاضی مشکل نموده به این معنا که برای متهم و قاضی مشخص نیست که ارتکاب چه عملی توسط متهم می تواند مشمول قید گسترده، وسیع و یا شدید باشد، و ثانیاً با توجه به این قیود، تبعات و آثار آن برای متهم، قابل پیش بینی نیست (رمضانی، ۱۳۹۲، ص ۶۵)، چرا که اگر قید گسترده محقق شود مستحق اعدام و اگر احراز نشود، به حبس محکوم می شود.

مجرمیت معاونت در جرم

در ارتباط با مسئولیت کیفری معاون جرم پرسشهای مطرح میشود که آیا معاونت در جرم مستقل یا عاریه ای است؟ این اعمالی که معاون جرم انجام می دهد، به تنهایی جرم خاص و مجازات مستقلی بر آن بار می شود؟ آیا معاون جرم به تبع مباشر جرم می بایست مجازات شود؟ از دو رویکرد مجرمیت مستقل و استعاره ای کدامیک نظم عمومی و عدالت کیفری را تضمین می کنند؟ در پاسخ به این پرسشها اندیشمندان حقوق جزا رهیافت های مختلفی را ارائه داده اند.

مجرمیت استعاره ای

برخی حقوقدانان معاونت را به عنوان جرم مستقل نپذیرفته اند بلکه معتقدند برای اینکه عمل معاون قابل مجازات باشد، باید اعمال خاصی که در قانون جزا پیشبینی شده است از ناحیه معاون به منظور مساعدت به مباشر اصلی به منصف ظهور برسد؛ و تنها زمانی مجازات معاون جرم امکان پذیر است که عمل ارتكابی مباشر، جرم و قابل مجازات باشد. با این توجیه مبنای مجرمیت معاون جرم را به تبع مجرم اصلی و تحت عنوان مجرمیت عاریه ای بیان می کنند. درمقابل برخی دیگر از حقوقدانان با توجه به میزان حالت خطرناکی معاون در همکاری و مساعدت برای ارتكاب جرم، خواه به صورت دخالت مستقیم یا غیرمستقیم، معاونت را به عنوان جرم مستقل و نه عار هی ای یم شناسند. بنابراین، معاونت در جرم، جرم مستقلی نیست، بلکه جرم بودن معاونت تابع وصف مجرمانه رفتار اصلی است (قاسمی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۳).

معنای تبعیت مجرمیت معاون از مجرم اصلی این نیست که بعد از انجام جرم معاونت حتماً باید مرتکب اصلی محکوم شود، سپس معاون نیز به تبع او مجازات گردد؛ بلکه اعمال مجازات درخصوص معاون متوقف بر محکومیت مجرم اصلی نبوده، بلکه به مجرد قابل مجازات بودن فعل اصلی، معاون نیز به عنوان یک مجرم محاکمه و مجازات خواهد شد، یا گرچه به عللی مانند مرگ، فرار، جنون و ... مجرم اصلی محاکمه و مجازات نشود. ایراداتی بر این رویکرد وارد هست. یک، بدون محکومیت مباشر جرم وقوع جرم معاون قابل تعقیب و مجازات نیست؛ دوم، معاون جرم به همان اندازه مباشر اصلی جرم خطرناک است. بنابراین، از حیث خطر اجتماعی میبایست مسئولیت معاون مستقل از مباشر مادی باشد؛ سوم، در جرایم حق الهی به دلیل عدم پذیرش حکم غایبی تا زمان حضور مباشر جرم امکان تعقیب معاون وجود ندارد. این نارساییها موجب شده است تا دو کشور آمریکا و اسکاتلند رویکرد استقلال در مجرمیت را بپذیرند.

مجرمیت مستقل

استقلال در مجرمیت به این مفهوم است که وقتی چند نفر در جرمی شرکت می کنند و مرتکب آن میشوند، به تعداد آنها جرایم مستقل داریم. لذا در ین رویکرد تفکیک و تمییز مجرمین اصلی از معاونین معنا ندارد و میبایست مسئولیت هر یک را جدا از دیگری مورد واکاوی قرار گیرد. در حقوق کیفری ایالات متحده، معاونین و مباشرین جرم به یک اندازه مسئولیت داشته، در معرض محکومیت به مجازاتهای یکسانی هستند. در این نظام کیفری معاونت به نحو مستقل پیشبینی شده است. در واقع چون تعریف ارائه شده از مباشرت و معاونت در جرم، و معایب تبعی بودن دارای انسجام و کارایی لازم نبوده، بهترین راه حل را این دیده اند که تفکیک میان مباشر و شریک جرم از یک سو و معاون جرم از سوی دیگر را اگر آنچنان کم رنگ سازند که در نتیجه نهایی پرونده تأثیری نداشته باشد. اگر مبنای مجازات هرکس به میزان مسئولیتش در ارتكاب جرم تعیین شود. دیگر معاونت به خودی خود جرم نیست و مفهوم معاونت به صورت انتزاعی و مجرد قابل تصور نخواهد بود. حقوقدانان آمریکا در توجیه برابری مجازات معاون و مباشر، مسئولیت ناشی از فعل غیر را مطرح نموده اند. این آموزه بیان میدارد فرد به خاطر افعال ارتكابی توسط دیگران مسئول شناخته میشود گویی خود اوست که مرتکب جرم اصلی میشود.

در حقوق کیفری اسکاتلند معاونت در جرم به مثابه همکاری در جرم است. با توجه به وجود درجات مختلف از همکاری در جرم، پیش بینی مسئولیت یکسان برای تمامی همکاران در جرم ممکن است بسیار ناعادلانه باشد. برای نمونه عمل فردی که صرفاً

برای هشدار دادن خطر حضور پلیس دیده بانی می نماید به نظر میرسد از قابلیت سرزنش کمتری نسبت به کسی برخوردار باشد که عملاً مرتکب سرقت به عنف میشود. همچنین شخصی که برای حمله و به قتل رساندن دیگری اطلاعات مربوط به زمان و مکان رفت و آمد بزه‌دیده را در اختیار دیگری قرار می دهد ممکن است از قابلیت سرزنش کمتری نسبت به عمل کسی برخوردار باشد که عملاً با مضروب نمودن بزه دیده او را به قتل میرساند. البته چنین دیدگاهی ممکن است از این جهت که توجه شایسته به خطرات اجتماعی همکاری در جرم نمی نماید، قابل انتقاد باشد. (برهانی، ۱۳۹۴، ص ۲۱) شخصی که دیگری را برای ارتکاب جرم راهنمایی می کند عملاً به نحو یکسان با مرتکب آن جرم تهدید برای جامعه به شمار می آید. به عبارت دیگر فردی که مواد منفجره را در اختیار تروریست قرار میدهد به اندازه خود تروریست خطرناک است؛ بنابراین به خاطر خطر اجتماعی که همکاری در جرم ایجاد می نماید کلیه همکاران در جرم مسئول شناخته می شوند و علت آن نیز نقش مثبتی است که آنها در ارتکاب جرم ایفاء می نمایند.

رویکرد حقوق ایران، اسکاتلند و آمریکا از حیث چگونگی جرم انگاری معاونت در جرم متفاوت می باشد. قانونگذار ایران بر مبنای اصل استعاره مجرمیت به اعتبار وقوع جرم اصلی معاونت در آن را جرم می‌شناسد. البته جرم انگاری مستقل معاونت در جرم به تصریح مقنن و بصورت کاملاً استثنائی و محدود در حقوق ایران پذیرفته شده است. رویکرد اسکاتلند و آمریکا حسب آنکه جرم اصلی رخ دهد یا خیر متغیر میباشد: چنانچه جرم اصلی واقع شود (قاسمی، ۱۳۹۷، صص ۱۷۶ و ۲۴۰)، مسئولیت کیفری معاون در قبال جرم اصلی با مسئولیت کیفری مرتکب آن یکسان خواهد بود. در صورت عدم وقوع جرم اصلی ممکن است معاون در قبال جرایم ناقص و مستقل تحریک یا تبانی در جرم واجد مسئولیت کیفری خفیفتر شناخته شود. به علاوه برخلاف ایران و اسکاتلند، اغلب ایالت‌های آمریکا معاونت پس از وقوع جرم را مستقلاً جرم انگاری و مجازات خفیفتر از جرم اصلی برای آن مقرر داشته اند. بنابراین، در دو کشور آمریکا و اسکاتلند معاونت در جرم به نحو مستقل پذیرفته شده است. ایراداتی که در ذیل عاریتی بودن معاونت در جرم بیان شد، بیانگر آن است که این رویکرد قابل دفاع نیست. از این رو کشورهای پیشرو در این زمینه به مانند این دو کشور و کشور فرانسه نیز رویکرد مستقل را در پیش گرفته اند.

چالش معاونت در جرم افساد فی الارض

اگرچه با نگاه به موارد مطروحه فقهی حقوقی می توان استنباط نمود یکسان دانستن مجازات معاونت در جرم افساد فی الارض با مباشر جرم خلاف مشی فقهی و با موازین قانونی نیز ناسازگار است و می توان حتی بدون ماده قانونی افساد فی الارض با بهره گیری از سایر مواد قانونی بویژه تعزیرات اقدام به مجازات مجرمین اقدام کرد (شمس الدین وندی، ۱۳۹۸، ص ۹۶) چرا که عناوین مطروحه در ماده ۲۸۶ در برخی موارد قانونی من جمله قاچاق مواد مخدر، جرایم نیروهای مسلح، جرایم اقتصادی و... آورده شده است و از حدی سازی شرعی سازی جرایم اجتناب داشت همچنین وجود مجازات اعدام برای معاونت در جرم افساد فی الارض با در نظر گرفتن عناوین مبهم در ماده می تواند امنیت شهروندان را به خطر بیاندازد و این ماده در دست افرادی باشد برای اعمال هر چه بیشتر قدرت و حذف مخالفان در جامعه که حتی در نگاه از بیرون توسط افراد سودجو می تواند دین مبین اسلام را در معرض اتهام قرار بدهد و با توجه به عدم ریشه فقهی مجازات معاونت و عدم پیش بینی مجازات اعدام برای جرم معاونت ضروری می باشد به جهت ایجاد امنیت روانی در جامعه لازم می باشد که این موارد توسط قانونگذار مورد اصلاح قرار گیرد و بنحو دیگر معاون در افساد فی الارض مورد مجازات قرار گیرد.

البته ممکن است ایجاد امنیت گرایی در جامعه توسط قانونگذار در جامعه مطرح باشد ولی سیاست تقنینی باید مبتنی بر اصول و قاعده ای باشد و نمی شود بی جهت در راستای تشدید و عدم تناسب سازی مجازات اقدام به حدی سازی و شرعی سازی جرم و مجازات نمود.

قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹

بموجب ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری که مقرر می‌دارد مصادیق خاص قانونی که در آنها برای شروع به جرم و معاونت در جرم مشخص تحت همین عناوین مجازات تعیین شده است... نسخ می‌گردد.

می‌توان با در نظر گرفتن ماده مذکور از تعیین مجازات اعدام برای معاونت در جرم افساد فی الارض پرهیز نمود البته در عمل مورد نادیده قرار می‌گیرد ولی باز می‌توان نسبت به عنصر مادی جرم تفسیر سخگیرانه صورت داد و ثانیاً می‌توان با توجه به وجود شبهه شرعی در موضوع جرم افساد فی الارض از صدور حکم بر اساس مواد افساد فی الارض خودداری و با یافتن عناوین مجرمانه نزدیک تر کیفر خواست و دادنامه را بر اساس سایر عناوین مجرمانه تنظیم کنند رویکردی که می‌تواند قبل از تغییر قوانین بعنوان مسکنی ناکافی اما قابل قبول استفاده شود.

همچنین بموجب ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی که اشعار می‌دارد صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرایم زیر و شروع به آنها قابل تعویق و تعلیق نیست و در بند ث ماده فوق‌الذکر آمده تعزیر بدل از قصاص نفس، معاونت در قتل عمدی و محاربه و افساد فی الارض این استدلال را تقویت می‌نماید که حکم ماده ۲۸۶ که معاونت در افساد فی الارض با مجازات اعدام پیش بینی گردیده نفی می‌کند بنابراین با وجود ماده ۴۷ و ماده ۱۵ قانون کاهش حبس تعزیری مجازات مذکور یعنی همان اعدام قابلیت اجرایی ندارد و می‌توان در محاکم به آن استدلال نمود.

نتیجه گیری

از مجموع مباحث مطرح شده در این تحقیق می توان به نتایج زیر دست یافت که اولاً خود جرم افساد فی الارض دارای پشتوانه مستحکم فقهی نبوده و ثانیاً تعمیم مجازات مباشر جرم به معاون خلاف موازین فقهی و قانونی می باشد و احراز موضوع با عناوینی که در ماده ۲۸۶ آمده قاضی را دچار قبض و بسط می نماید و بهتر بود بر اساس اصول دادرسی عادلانه و تناسب جرم و مجازات معاون جرم از مباشر جرم، تفکیک و مجازات خفیف تر پیش بینی گردد مگر در جرایم سازمان یافته یا مبتنی بر طرح مجرمانه مشترک، اصل تساوی مجازات معاون و مباشر اتخاذ گردد و قلمرو محدودی از رفتارها را در حد «ضرورت» در برگیرد. ثانیاً با بهره گیری از ماده پانزده قانون کاهش حبس تعزیری که مجازات معاونت در جرم مذکور نسخ گردیده و با دقت نظر در بند ۳ ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی می توان دریافت که مجازات معاونت در افساد فی الارض غیر از اعدام بوده و نهایتاً از مجازات های دیگری که منطبق بر حفظ کرامت انسانی و عدم سلب حیات بیشتر که آسیب های غیر قابل جبران برای جامعه و حاکمیت دارد استفاده نمود و بهتر بود رعایت اصل تناسب بین مباشر و معاون جرم به جهت رعایت اصول اساسی حقوق رعایت گردد.

منابع و مآخذ

- (1) قرآن مجید
- (2) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- (3) برهانی، محسن، افساد فی الارض ابهام مفهومی و مفاصد عملی، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، ۱۳۹۴، شماره ۲
- (4) راغب اصفهانی، حسین، مقررات الفاظ قرآن، قم، طلیعه نور، ۱۴۲۷
- (5) رضایی سیابیدی، محمد، بررسی و تحلیل تقنینی مفسد فی الارض، تهران، انتشارات قانون یار، ۱۳۹۶
- (6) رمضان، خیراله، افساد فی الارض از منظر قوانین شیعه و قوانین جزایی ایران، انتشارات بخشایش، ۱۳۹۲
- (7) شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای اختصاصی، جلد سوم، انتشارات مجد، چاپ دوم، ۱۳۹۳
- (8) شمس الدین وندی، رضا، افساد فی الارض، انتشارات قانون یار، ۱۳۹۸
- (9) طباطبایی، محمد حسین، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۴۰۶ ق
- (10) قاسمی، مریم، افساد فی الارض در جرایم مواد مخدر، انتشارات مولفین طلایی، ۱۳۹۷
- (11) گلدوزیان، ایرج و همکاران، افساد فی الارض در حقوق موضوعه ایران، حق کشف، ۱۳۸۷
- (12) مومن، محمد، کاوشی در مجازات محارب و مفسد فی الارض، قم، مجله فقه اهل بیت، ۱۳۸۲، شماره ۳۵
- (13) محمدزاده، علی اکبر، بررسی و نقد فقهی تاسیس حد شرعی افساد فی الارض، مجله مبانی فقهی حقوق اسلامی، سیزدهم، ۱۳۹۸
- (14) نعناکار، مهدی، افساد فی الارض در فقه و حقوق موضوعه، تهران، انتشارات مرسل، ۱۳۷۷
- (15) هاشمی، سید حسین، نقد فقهی و حقوقی افساد فی الارض، ۱۳۹۲
- (16) یزدانی، علی، سلامت اجتماعی افساد فی الارض از منظر فقه و حقوق، پژوهش های اخلاقی، سال دوازدهم

Challenges of deputy in the crime of corruption in the world

Firat author: Dr abbasaliakbari

Member of the faculty of law department of Tabriz azad university

second author: hamed alizadeh

doctoral student of criminal law and criminology

Abstract

Among the challenging issues in Iran's criminal law is the crime of corruption in the land, which entered the discourse of Iranian criminal justice in 1992 as an independent crime with ambiguous literature and titles, subject to multiple interpretations and application of taste by the courts. Also, a look at jurisprudential sources also shows differences of opinion. It is based on the inference of many verses and narrations, and among the basic criticisms is the lack of proportionality of the punishment of the corrupter in the earth and the deputy in the related crime, which indicates that the legislator considers the aforementioned punishments to be equivalent, which is always a place for reflection and investigation. Although by referring to some legal articles, it can be claimed that the crime of aiding and abetting in crimes is considered a tolerance policy, but the existence of the said law indicates that the legislator does not pay attention to the conditions of the society, and it has shaken the citizens and caused widespread potential dangers. against the Islamic society in terms of predicting the death penalty for the crime of aiding and abetting corruption in the world, which is not compatible with the criminal policy of a milder punishment for the aiding and abetting crime.

Key words: corruption in the world, deputy in the crime of corruption in the world, execution